

استفاده برهانی حکمت متعالیه از عرفان و وحی

رئیس مؤسسه اسراء با بیان اینکه ملاصدرا هم منابع معرفتی متعدد را و هم روش‌ها را شناخت گفت:



رئیس مؤسسه اسراء با بیان اینکه ملاصدرا هم منابع معرفتی متعدد را و هم روش‌ها را شناخت گفت: روش عرفان، شهود است و شهود هم نمی‌تواند مسائلی فلسفی را حل کند ولی آیا این باید سبب شود تا ما منابع معرفتی عرفان و گزاره‌های عرفانی را نادیده بگیریم؟ خیر ملاصدرا از علوم مختلف در تبیین حکمت متعالیه استفاده کرده است.

مرتضی جوادی آملیه گزارش یکنا، حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی؛ استاد حوزه علمیه قم و رئیس مؤسسه اسراء شامگاه ۱۰ تیرماه در نشست علمی «بایدها و نبایدهای علوم عقلی» با اشاره به مؤلفه‌های قوام‌دهنده حکمت متعالیه، گفت: ما هم باید از بیرون و هم از درون حکمت متعالیه را مورد بررسی و تدقیق قرار دهیم که در نشست امروز صرفاً به عوامل درونی خواهیم پرداخت.

وی افزود: اولین و مهمترین مؤلفه قوام‌دهنده حکمت متعالیه، منابع معرفتی این حکمت است؛ طبیعی است هر قدر منابع معرفتی متکثر و متنوع باشد آن معرفت قوت بیشتری خواهد داشت؛ صدرا شخصیتی است که فقط به حکمت اشراق و مشاء اکتفا نکرده است و واقعا گستره بسیار وسیعی را در حوزه علوم برای خود ایجاد کرد که این گستره و منابع معرفتی قویم باعث پیدایش این حکمت شده است.

جوادی آملی با بیان اینکه ما علوم را براساس موضوع آن به کلام، فلسفه و منطق، عرفان و طبیعیات و ... تقسیم بندی می‌کنیم، تصریح کرد: هر کدام از این علوم می‌توانند حیث‌الهیاتی و وجودشناسی داشته باشند؛ تردیدی نیست که علم عرفان حیث‌الهیاتی دارد و بلکه همه عرفان، الهیاتی است زیرا هستی‌شناسی و وجودشناسی کرده و از این منظر بحث می‌کند لذا اینطور نیست که ملاصدرا فقط عرفان را خوانده است تا به عنوان یک علم آن را بشناسد و بداند بلکه او در ساخت دستگاه حکمت متعالیه از آن استفاده کرده است.

رئیس مؤسسه اسراء اضافه کرد: یکی از عمده‌ترین منابع دخیل در حکمت متعالیه آن هم دخالت جدی، مستقیم و نقش‌آفرین متعلق به علم عرفان است؛ صدرا از منابع عرفانی و کتب عرفانی بهره زیادی گرفته است. منبع دیگری هم که به میزان زیادی در حکمت متعالیه مورد استفاده بوده، کتاب و سنت است؛ در سایر حکمت‌ها مانند مشاء و اشراق کمتر از منابع موجود بهره داریم مثلا در الهیات شفا و اشارات خیلی کم از آیات و روایات استفاده شده است و شاید در اشارات تنها از یک آیه «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَافَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ اِنَّهُ الْحَقُّ اُولَمْ يَكْفِيْ بِرَبِّكَ اِنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» استفاده شده است که ابن‌الرئیس آن را ناظر به برهان صدیقین می‌داند، بنابراین از آیات و روایات به عنوان تائید در حکمت مشاء استفاده شده است ولی اصلا در این ساختار حضور جدی ندارد.

استاد حوزه علمیه بیان کرد: ملاصدرا آیات قرآن را به عنوان یک منبع معرفتی مورد استفاده قرار می‌دهد و در فضای معرفتی حکمت خودش دخیل کرده است که این هم باب وسیعی است؛ ایشان برای آیات و روایات موقعیت فلسفی قائل شده و حجیت آن‌ها را تائید و معقول و عقلی کرده است و مانند یک گزاره و واحد فلسفی وارد حکمت خود کرده است؛ بنابراین منبع وحی اعم از قرآن و عترت از منابع مهم معرفتی در حکمت متعالیه است.

نقش کلام در حکمت متعالیه

جوادی آملی با بیان اینکه منابع کلامی از دیگر منابع مهم معرفتی در ساختار حکمت متعالیه بوده است، اظهار کرد: بسیاری از مسائل کلامی در حکمت متعالیه راه یافته است به خصوص کلام امامیه برای اثبات و کلام معتزله و اشاعره برای طرد و دفع؛ به حدی این‌ها قوتشان در حکمت متعالیه زیاد است که حکمت متعالیه را به عرفان و کلام متهم کرده‌اند زیرا تشخیص نداده‌اند که چرا ملاصدرا به عرفان و کلام و ... اجازه داده است در حکمت او دخالت کنند و حتی آن نگرش‌های الهیاتی که طبیعی دانان مطرح می‌کنند؛ مثلا دهریون برای اثبات واجب از قانون حرکت استفاده کردند و گفتند ما حرکت داریم و حرکت هم حتما یک محرک لازم دارد.

استاد حوزه علمیه با بیان اینکه حتی این مسئله هم در دستگاه حکمت متعالیه دخیل است و نقش دارد، تصریح کرد: دهریون

حیثیت الهیاتی ندارند و مخالف هم هستند ولی سخنان آنان مورد غفلت جناب صدرا نبوده است و به ادله ایشان پرداخته است؛ دهریون گفته اند که میدایی برای عالم وجود ندارد ولی ملاصدرا معتقد است که این سخن هم الهیاتی است با اینکه نفی کرده است، باید به آنان پاسخ درستی بدهیم. بنابراین منابع معرفتی دخیل در حکمت متعالیه بسیار زیاد است.

جوادی آملی با اشاره به روش معرفتی به عنوان مؤلفه دیگر، اظهار کرد: در فلسفه مرسوم است که روش معرفتی همان روش عقلی، برهانی است و روش های دیگر در آن مورد اعتنا نیست و اگر هم مورد توجه باشد چون روش فلسفه، عقلی است باید به آن توجه کنیم؛ این سخن، سخن حقی است زیرا روش فلسفه، برهانی و عقلی است و هرگز نباید از این روش کوتاه بیاییم یعنی یا مستقیماً روش عقلی است و یا عقل به او برمی گردد و با او مخالفتی ندارد؛ بنابراین منابع معرفتی متفاوت از روش است.

روش عقلی ملاصدرا در استفاده از علوم مختلف

وی افزود: متأسفانه این توهم خیلی ها را گرفتار کرده است و این توهم آن است که بین منابع معرفت و روش معرفتی خلط شده است؛ ما منابع معرفتی فراوانی می توانیم داشته باشیم، از این رو اینکه بگوییم روش معرفتی عرفان، شهود است یا روش معرفتی علوم وحیانی، سمع است این روش نباید ما را از منبع غافل کند بلکه ما می توانیم منابع را داشته باشیم و از آن با روش عقلی در نظام حکمی خود استفاده کنیم؛ این روش یا عقلی مستقیم است یا عقل او را می شناسد و موجه می کند و مخالفتی با آن ندارد؛ توفیق ملاصدرا این بود که هم منابع معرفتی متعدد را شناخت و هم روش ها را شناخت و هم تعدد روش ها باعث نشد تا حجابی برای او شود که منابع معرفتی را نبیند؛ روش عرفان، شهود است و شهود هم نمی تواند مسائل فلسفی را حل کند ولی آیا این باید سبب شود تا ما منابع معرفتی عرفان و گزاره های عرفانی را نادیده بگیریم؟ خیر ملاصدرا از علوم مختلف در تبیین حکمت متعالیه استفاده کرده است.

وی ادامه داد: اگر روش معرفتی شهودی شد ولی ما توانستیم آن را عقلی و برهانی کنیم آن سخن برای ما پذیرفته است زیرا نهایتاً به عقل برهانی منتهی شده است بنابراین منبع معرفتی نباید به خاطر روش معرفتی نادیده گرفته شود و متأسفانه برخی چنین کاری کرده اند. بنابراین یکی از دلایل اینکه حکمت متعالیه قوام زیادی پیدا کرده است به خاطر همین استفاده از روش معرفتی است. همچنین انسجام بخشی از دیگر دلایلی است که باعث قوام حکمت متعالیه شده است؛ صدرا در حکمت خود از بنیان حکمت، مسائل را پیش برده است تا جایی که مایه اصلی حکمت او شده است لذا واقعا الهیات شفا در حکمت او نقش اصلی دارد با اینکه در مسائل اصلی با هم فرق دارند. در تعلیقاتی که مرحوم صدرا بر الهیات شفا یا حکمت اشراق نوشته است باعث ممتاز شدن او شده است و نقدهای جدی بر آن دو حکمت وارد کرده است.

استاد حوزه علمیه با بیان اینکه صدرا همچنین نظر کسانی را که به دنبال طرد و دفع منبع و منشا برای آفرینش هستند، الهیاتی تلقی کرده است لذا حتی دهریون را که نفی معاد داشتند در حکمت خود دخالت داد و به آنان با زبان فلسفی پاسخ داد، گفت: در تفکرات دیگر هم این اینطور است مثلاً اگر کسی بگوید آیه: «الرحمان علی العرش استوی» به جسمانیت برمی گردد نظر او را نفی می کنیم بنابراین بازگرداندن متشابهات به محکومات کاری بسیار خوب است وگرنه جریانی مانند اشاعره و اعتزال ایجاد خواهد شد که هر کدام بر مبنای نادرست خود مسائل را تحلیل می کنند.

توجه صدرا به عرفان و وحی از منظر برهانی

وی با بیان اینکه ملاصدرا رسالت فلسفه را الهیاتی و وجودشناسی می داند، گفت: بنابراین هر کسی که در عرصه وجودشناسی سخن دارد باید به او اجازه دهیم که سخن خود را بیان کند، روش او را بیاییم و روش او را به لحاظ عقلی موجه کنیم و اگر این کار شد تبدیل به حکمت خواهد شد. اگر ما فقط به نقل نظر عرفا و قرآن و سنت پرداختیم بلکه ملغمه ای از تفکرات مختلف است ولی ملاصدرا اینطور کار نکرده بلکه حکمت خود را با عقل و برهان گره زده است و از منابع معرفتی مختلف بر مبنای برهان کمک گرفته است و لباس فلسفی به تن گزاره های عرفانی و وحیانی نشانده است.